

شهر ونگ

گمشدهها پوشک طلایی

شهرام شهیدی

طنزنویس

shahraam_shahidi@yahoo.com



خیلی دلم می‌خواست بامزه‌ترین کار سال ۱۳۹۴ را انتخاب کنم و در موردش مطلبی بنویسم. نمی‌شود که هر کسی در صنف خودش، تری‌ها را انتخاب کند اما ما طنزنویس‌ها جایزه‌های برای خنده‌دارترین اقدام سال نداشته باشیم. حالا هم که آخر سال نزدیک است و چه زمانی بهتر از این، تا قبل از دیروز فکر می‌کردم بامزه‌ترین اقدام سال را که ششمالی انجام داده است. به قیافه خشنش نگاه نکنید. اقداماتش سرشار از نمک است. در ژانویه سال جاری میلادی کرشمالی اقدام به فرستادن بالون‌هایی پر از دستمال توالتهای استفاده شده، ته سیگار و پیام‌های تبلیغاتی به کره جنوبی کرد. با این کار می‌خواست حس و حالش را نشان طرف بدهد و بگوید حسم به تو سیفون وار است یا مثلا بگوید بند کفشتیم، ته سیگار تیم و از این جور چیزها؟ ما که نمی‌دانیم. البته مدیون هستی اگر فکر کنید مسئولان کره جنوبی هم بیکار نشستند و دست روی دست گذاشتند. نخبیر، آنها هم در اقدامی تلافی‌جویانه در مرز با کرشمالی اقدام به پخش موسیقی پاپ کردند! یعنی حال شهروند بخت برگشته کرشمالی را که لب مرز زندگی می‌کند، فقط من می‌دانم. خودتان از یک لحظه جای او بگذارید. صبح کله سحر از خواب بلند شده گفته عیال اون پنجره را ببند آدم را بگیرند، ششکنجه کنند بهتر است تصادف برخی مدام توی گوش‌اش باشد. حالا خوب است سخنرانی مسئولان دو کره را لب مرز پخش نمی‌کنند. آدم ژور به این چیزها گوش کند، عقیم می‌شود و صورتش هم به بوتاکس نیاز خواهد داشت. دیدید؟ جنگ از این شیرین‌تر می‌شود؟ البته پخش دستمال توالتهای استفاده شده را عرض نمی‌کنم. خلاصه قبل از این که برونده برنده بامزه‌ترین اقدام

سواد رسانه‌ای

کدام شیک‌تر است

سپهر دادجوی توكلی

روزنامه‌نگار



تب و تاب انتخابات کمتر شده است. تحلیل‌ها فروکش کرده و هر کسی سهم خود را برداشته است. اجازه دهید ما نیز یک نگاه تاریخی به انتخابات داشته باشیم. این نگاه به دلیل نداشتن آمار دقیق نمی‌تواند یک کار علمی محسوب شود پس ما به یک سوال بسنده خواهیم کرد و مبنای تحلیل را گفته‌های رسمی مقامات در دوران انتخابات قرار می‌دهیم. ۲۰ میلیون کاربر ایرانی و روزانه ۲۰۰ میلیون پیامک انتخاباتی در فضای مجازی. این اعداد کمی توجه‌برانگیز است. شاید کمی بیشتر از مورد نقش رسانه‌های نوین در انتخابات اخیر قلم‌فرسایی کرد در اندک الجزیره به روایت تاینک کمی با چاشنی اغراق به دو قطب رسانه‌ها و تربیون‌های سنتی اشاره می‌کند در برابر رسانه‌های جدید که البته حامل افکار نو و دارای زبان نو نیز است. گزارش الجزیره بیره نیست اما همه واقعیت‌گرایی به ابزار مدرن یا گذار از ارتباطی نیست. پروپاگاندا (Propaganda) یک نوع تبلیغات سیاسی است که اطلاعات را اتفاقاً جانبدارانه برای بسنج افکار عمومی هدایت می‌کند. پروپاگاندا روش از ارتباطی است و غالباً به پروپاگاندا، سیاه، خاکستری و سفید تقسیم می‌شود. مبنای آن نیز افق و ترغیب در مخاطب است. در موضوع انتخابات یک رفتار سیاسی است. سطح خاصی از پروپاگاندا استفاده می‌شود و برخلاف شهرت منفی‌اش بسیار کاربرد نیز دارد. پاول یوزف گوئبلس (Paul Joseph Goebbels) هم شاخص ترین فردی است که با مهارت فراوان از آن در خدمت آلمان نازی استفاده می‌کرد و همین چهره این روش ارتباطی را بیش از پیش سیاه کرد. برای مطالعه سیاسی این شیوه تبلیغاتی ابراری دارد. در دوران مدرن

فوکوس ...



۱۱۹ سال پیش، برابر با هجدهم اسفند ۱۲۷۵ خورشیدی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اندیشمند سیاسی و مبلغ اندیشه اتحاد اسلام، در شهر استانبول بر اثر ابتلا به سرطان فک درگذشت. از او با عنوان آقا بزرگ نهضت‌یاداری اسلامی در سده‌های اخیر نام می‌بردند. سیدجمال‌الدین، اولین متفکر مدرن و فعال اجتماعی بود که در مقابل قدرت‌های غربی، اسلام‌گرایان را تبلیغ کرد. تأثیر او بر کشورهای اسلامی، مخصوصاً ایران و مصر که در میان توجه است. از او با نام‌های جمال‌الدین الافغانی و سیدمحمد بن مفتح‌الدین نیز نام برده می‌شود.

سلمان طاهری | کارتون‌نویس | salmantaheri@gmail.com



کار تون شهر



صدور حکم اعدام برای بابک زنجانی در دادگاه بدوی

حرف روز

«دو» برای وزن کلام است!

دیکتاتور - آن‌هم از جنس هیتلر و پینوشو - را به نقد بکشید، رویکرد احساسی یک منش را که بی توجه به خاستگاه و رفتار دیکتاتور، دست دوستی به سویش دراز می‌کند را هدف گرفته بود و نخبگان را از دیدگاه اخلاقی هشدار به دقت بیشتر می‌داد. بی‌گمان تا ساختار سیاسی و اجتماعی یک جامعه در پیوندی تعریف شده و محکم با نخبگان قرار بگیرد، چندان امیدی به بیداری آن جامعه نمی‌توان داشت تا کارهای بزرگ در دستان افراد بزرگ نباشد، چرخ جامعه لیگان خواهد چرخید. به هر روی با این که هدفم از نوشتن یادداشت چنین رویکردی نبود اما نقد وارد بود اما از اینها که بگذریم، شش‌ریختی نامهای به سپرس می‌نویسد: «تنها نعمتی که برای تو در مسیر این راهی که عمر نام دارد، آرزوی منم، تصادف با یکی دو روح خارق‌العاده، با یکی دو دل بزرگ، با یکی دو فهم عظیم و خوب و زیادت، چرا نمی‌گویم بیشتر؟ بیشتر نیست! «یکی» بیشترین عدد ممکن است. تو را بباری وزن کلام آورد و نیست... من نیز در مسیر زندگی ام خورد با یکی دو فریخته را تجربه کس‌دام که بی‌گمان یکی از آنها همکار فلسفه‌دان است. چنین رخدادی در زندگی ما بیش باذ گرچه دو برای وزن کلام است!

کمی احوال پرسى گفت: «یادداشت هفته پیش، یعنی لغزش بزرگان، لغزشی بزرگ و شکننده‌تر است.» در روزنامه شهروند را خواندم. آن که درباره همکاری هایید گر با حزب سنازی و فریدمن با رژیم پینوشو نوشته بودی و بزرگان را از همکاری با چنین حکومت‌هایی ترسانده بودی. «پس از اندکی ستودن یادداشت، با زبکی و بختگی همیشگی اش گفت: «در رونمای‌هاش بازویات نمی‌خواند!» پرسیدیم: «چرا؟» گفت: «تو همواره در پی دگرگونی‌های اندک، ژرف و ماندگاری، برای همین است که می‌خوانی و می‌نویسی و تلاش می‌کنی. آیا کسی که دگرگونی‌های بزینبایی، محور کوشش هایش است، نباید از هر روزی و از هر فرصتی برای بهسازی جامعه بهره گیرد؟» در حالی که می‌رفت تا کتابی بیاورد، ادامه داد: «اگر چنین نبود، چرا آموزش و نوشتن را بزرگ‌بندی‌ها و یادداشت نخبگان را از ورود به بعد کتاب یا کتاب‌هایی می‌آورد و ورق می‌زد و چند خط می‌خواند و بی‌شهادت خواندن آنها را می‌داد. درباره نیچه آنچنان سخنانش گیرا بود که رفت و چندین کتاب از نیچه یاد باره او خرید و یکی - دوتا از آنها را خواندم. آخ چه روزهایی بود آن روزها! چند روز پیش در تماس با او گفتیم از سر دلتنگی با ضلع دیگر مثلث می‌آیم برای دیدن تو و رفتیم. پس از



چند ماهی بود که او را ندیده بودم، چند سالی با هم در دبیرستانی همکار بودیم. رشته‌اش فلسفه است و فلسفه درس می‌دهد، اما بسیار بیش از آنچه درس می‌دهد می‌داند. از کتابخوان‌های استخوان‌دار است. ریزش و آراسته، شمرده سخن می‌گوید و اندیشناک می‌شود. یادش به خیر مثلثی بودیم در دبیرستان؛ رنگ‌های تفریح، کوتاه زمانی بود برای گفت و شنودی پریار که گاه همان روز یا چند روز، هر همان را در گیر می‌کرد. با حافظه‌ای کم مانند، هر آنچه را که خوانده بود، به خاطر می‌آورد و این ویژگی‌اش احترام‌برانگیز و آموزنده بود. بسیار پیش از آنکه گفت و گو می‌کردم، روز کاری بعد کتاب یا کتاب‌هایی می‌آورد و ورق می‌زد و چند خط می‌خواند و بی‌شهادت خواندن آنها را می‌داد. درباره نیچه آنچنان سخنانش گیرا بود که رفت و چندین کتاب از نیچه یاد باره او خرید و یکی - دوتا از آنها را خواندم. آخ چه روزهایی بود آن روزها! چند روز پیش در تماس با او گفتیم از سر دلتنگی با ضلع دیگر مثلث می‌آیم برای دیدن تو و رفتیم. پس از

تاریخ	۱۶ آراک	۲۱ اردبیل	۱۵ ارومیه	۲۲ اصفهان	۳۰ اهواز	۱۹ ایلام	۲۲ بجنورد	۲۷ بندرعباس
۲۶ یوشهر	۲۲ بیرجند	۲۰ تبریز	۱۹ تهران	۲۱ خرم‌آباد	۲۴ زاهدان	۱۸ زنجان	۱۸ سمنج	۱۸ سمنج
۱۷ شهرکرد	۲۰ قزوین	۲۲ کرمانشاه	۲۲ کرمان	۱۸ گرگان	۳۰ رشت	۲۴ ساری	۲۱ کرج	۲۱ کرج
۲۳ شیراز	۱۹ سمنان	۱۲ همدان	۲۵ قم	۲۴ مشهد	۱۸ یاسوج	۲۶ یزد	۲۹ ایبوموسی	۲۹ ایبوموسی

موقت شدید باد در برخی نقاط در استان‌های فارس، جنوب‌بوشهر، جزایر جنوبی خلیج فارس، هرمزگان، کرمان، سیستان و بلوچستان و نیمه جنوبی خراسان رضوی و خراسان جنوبی خواهد شد. انتظار می‌رود فردا چهارشنبه، با عمیق‌تر شدن موج تراز میانی و با وجود هوای سرد در این تراز و هوای گرم و مرطوب در سطوح زیرین جو، شرایط جوی برای ناپایداری‌های همرفتی تشدید یافته و موجب وقوع رعد و برق تشدید در جنوب سیستان و بلوچستان شود. آسمان تهران امروز کمی ابری، در پارهای نقاط غبار صبحگاهی، گاهی وزش باد با حداکثر و حداقل

افزایش دمای هوای کشور بر اساس تحلیل آخرین نقشه‌های هواشناسی، جبهه‌های سرد در شمال شرق کشور در حال عبور است و گذر آن طی ۲۴ ساعت آینده موجب بارش‌های پراکنده در شمال شرق خواهد شد. شاخه جنوبی موج تراز میانی تا پایان هفته در منطقه جنوب تا جنوب شرق و شرق کشور فعال خواهد بود. وجود جریان‌های گرم و مرطوب جنوبی و جریان دریا به خشکی در جنوب و جنوب شرق طی ۳ روز آینده موجب بارش باران و رعد و برق و وزش

دمای ۱۹ و ۷ در سه سانتیگراد و در روز چهارشنبه ۱۹ اسفند، کمی ابری تا نیمه ابری، در پارهای نقاط غبار صبحگاهی با حداکثر و حداقل دمای ۲۰ و ۹ درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود. در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشینه دمای ۳۰ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای منفی ۵ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور بوده‌اند. طی روزهای گذشته چهارمحال و بختیاری و اردبیل، سردترین و هرمزگان و خوزستان، گرم‌ترین استان‌های ایران بودند.